

آقای دهباشی گفت قصد کرده‌ام گزارش سیاسی مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۳۲ اللهیار صالح به دکتر محمد مصدق را در مجله بخارا تجدید چاپ کنم. گفتم کار بجایی است زیرا اگر چه آن گزارش مهم، نخست در مجله «تاریخ معاصر ایران» کتاب اول (پائیز ۱۳۶۸) چاپ شد^۱ و سپس در جلد سوم پهلویها (۱۳۸۲) و همزمان در کتاب زندگی نامه اللهیار صالح تألیف خسرو سعیدی (تهران ۱۳۸۲) به چاپ رسیده، چنان که در خور بود توجهی بدان معطوف نشد مگر دکتر محمدعلی موحد که در دومین مجلد کتاب با اهمیت «خواب آشفته نفت» بدان استناد کرده است. نیز در مقدمه کتاب «اللهیار صالح به روایت اسناد» (تهران، ۱۳۸۳) از آن یاد شده است.

اهمیت این گزارش سیاسی برین است که سه روز پیش از اعزام سرتیپ نصیری به خانه دکتر مصدق برای ابلاغ فرمان عزل (یعنی ۲ بامداد روز ۲۵) و هفت روز پیش از ۲۸ مرداد نگارش یافته. سبب تهیه گزارش به مناسبت وصول دستور تلگرافی مصدق مورخ نوزدهم مرداد، مخصوصاً متعاقب حملات لفظی ایزنهاور بوده است که صالح مکلف به دیدن کفیل یا معاون وزارت خارجه شده بود و پس از دیدار فوراً شرح ملاقات طولانی خود را با جرنگان قائم مقام

۱. از ذکر شماره زیر آن مشخص می‌شود از اسنادی است که از خانه‌های رجال پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به دست آمده است و در مؤسسه تاریخ معاصر ایران نگاه‌داری می‌شود.



● المہیار صالح و دکتر محمد مصدق

۲۸۳

معاون وزارت خارجه تقریباً به جزئیات نوشته و کتباً ارسال کرده بوده است و جای شبه نیست که با وضع آمد و رفت طیارات در آن روزگار به احتمال قوی به دست مصدق نرسیده باشد چابھائی هم که از آن شده (در دو منبع اصلی مجله تاریخ معاصر و کتاب پهلویها) حکایت از آن ندارد که گزارش به نظر کسی رسیده باشد. حتی در دفتر نخست وزیری نمره نشده است. بنا به همین قرینه باید گفت که مصدق آن را ندیده و احتمالاً شاید زاهدی نخست وزیر بعدی دیده باشد و چون جریان اوضاع عوض شده موضوع برای شخص او علی السویه و حتی بی ارزش بوده است. آنقدر که می توان احتمال داد این است که نامه می باید از خانه او و پسرش اردشیر زاهدی به دست آمده باشد.

به هر تقدیر گزارش کاملاً گویاست که امریکائیا از هر حیث نسبت به ایران تصمیم خود را گرفته بودند و اصل عمده در سیاستشان آن بود که خلاف مقصود انگلیسیها عملی نکنند. از اهم مطالب این گزارش استنباط و اشاره صالح به تأثیر سفر ایدن به امریکا در روابط سیاسی میان امریکا و ایران است که شاید بدین روشنی در جای دیگر عنوان مطلب نشده باشد و شاید موضوع تلگراف مصدق هم در همین زمینه بوده است.

نکته دیگر مهم، نظر موافق امریکائیا با انگلیسیها در مورد غرامت بوده است که نمی خواستند دول دیگر صاحب نفت رویه ایران را پیش بگیرند و قاعده غرامت دادن ایران

سابقه‌ای در تاریخ اقتصادی نفت بشود.

کلماتی که میان [] دیده می‌شود از جانب چاپ‌کنندگان پیشین الحاق شده است.

ایرج افشار

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران - واشنگتن*

محرمانه

شماره: ۲۰۱۶

تاریخ: ۲۱ مرداد ۱۳۳۲

جناب آقای دکتر مصدق، نخست‌وزیر

در تعقیب تلگراف رمز شماره ۱۳۹ مورخ دیروز، اینک گزارش تفصیلی خود با آقای جرنگان، قائم مقام وزارت خارجه آمریکا را تقدیم می‌دارد:

پس از اینکه تلگراف رمز شماره ۳۸۰ مورخ ۱۳۳۲/۵/۱۹ وزارت خارجه دایره به ابلاغ دستور جناب عالی راجع به ملاقات با کفیل یا معاون وزارت خارجه واصل گردید فوراً از وزارت خارجه آمریکا تقاضا نمودم که در ظرف امروز و فردا موقعی را برای ملاقات با آقای ژنرال بیدل اسمیت معاون کل وزارت خارجه تعیین [کرده] و اطلاع دهند. بعد از نیم ساعت جواب رسید که متأسفانه آقای بیدل اسمیت گرفتاری زیاد دارد و از ملاقات معذور است. آقای بایرود معاون هم در شهر نیست (ظاهراً به مرخصی رفته). لذا آقای جرنگان، قائم مقام بایرود ساعت یازده و نیم صبح روز سه‌شنبه (دیروز) شما را خواهد پذیرفت.

طبعاً از اینکه شخص معاون کل بهانه‌ای پیدا کرده و از ملاقات این جانب عذر خواسته متأثر شدم. عکس‌العمل باطنی خودم این بود که از ملاقات با جرنگان خودداری نمایم و از رفتن به وزارت خارجه صرف نظر کنم. ولی چون جرنگان از دوازده سال قبل که برای اولین دفعه به آمریکا آمدم جزو دوستان نزدیک این جانب بود و همیشه آنچه می‌تواند در کمک به کارهای ما مضایقه ندارد و ممکن بود دلتنگ شود به علاوه چنین اقدامی از طرف این جانب به خصوص در بهبودی مناسبات بین دو کشور مقتضی نبود بلکه احتمال داشت تأثیرات سوئی هم داشته باشد به این جهت دعوت ایشان را پذیرفته در ساعت مقرر به وزارت خارجه رفتم [و] به طوری که در تلگراف فوق عرض شده مذاکرات ما در حدود یک ساعت و نیم طول کشید.

خلاصه اظهارات این جانب به آقای جرنگان این بود که از تاریخ آخرین مسافرت رسمی ایدن وزیر خارجه انگلستان به واشنگتن من احساس می‌کنم که به تدریج یک نوع برودت در

* نقل از «پهلوی‌ها» جلد سوم: محمدرضا پهلوی، بکوشش: فرهاد رستمی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۲، تهران.

مناسبات بین ما و امریکا حاصل می‌شود و به جای اینکه بیش از پیش با یکدیگر نزدیک شویم و در تشدید مناسبات بین دو کشور کوشش نمائیم متدرجاً شکافی بین ما ایجاد می‌گردد و اگر فکر عاجلی برای جلوگیری از آن نکنیم محتمل است [عواقب] سوئی در بر داشته باشد. و سپس توضیح دادم که بعد از عدم موافقت دولت ایران با آخرین پیشنهاد انگلستان، اولیای درجه اول امریکا ظاهراً از خود یک نوع حالت خشم و عصبانیت نسبت به ایران ابراز می‌دارند [و] به جای اینکه با دلسوزی و همدردی مشکلات ما را در نظر بگیرند و راه چاره‌ای برای حل آن بیندیشند از یک طرف رویه بی‌اعتنایی پیش گرفته و از طرف دیگر هر وقت فرصتی به دست می‌آید به بهانه‌ای اظهارات غیر دوستانه نسبت به ایران می‌نمایند و باری من که در تمام دوره زندگی اجتماعی خود نهایت عشق و علاقه را به توسعه روابط بین ایران و امریکا داشته و تقریباً عمر خود را صرف این کار نموده‌ام [ام] اکنون نهایت موجب تأسف است که ملاحظه می‌کنم در عهدی که سمت سفارت کبرای ایران در واشنگتن به عهده این جانب می‌باشد و ایران بیش از هر موقع دیگر در تاریخ خود به مناسبات حسنه با امریکا احتیاج دارد یک چنین وضعی پیدا شده که محتمل است به نتایج وخیم برسد. به این جهت خواستم بار دیگر کوشش خود را بنمایم و با جلب توجه اولیای درجه اول وزارت خارجه امریکا به این موضوع سعی نمایم هر گاه سوء تفاهماتی برای دولت پیش آمده [به] رفع آن اقدام و از ادامه جریان فعلی در صورت امکان جلوگیری شود. و چون امثال شما و همکاران پایین‌تر از خودتان سابقه طولانی در کارهای ایران دارید و محتاج به این توضیحات نیستید لذا در صدد برآمدن با آقایان بالاتر، یعنی کسانی که در نتیجه تغییر دولت روی کار آمده تماس بگیرم. متأسفانه در این قسمت همیشه با مشکلاتی برمی‌خوریم و اکنون که آقای وزیر خارجه در مسافرت هستند انتظار داشتم آقای معاون که سمت کفالت وزارتخانه را دارند این جانب را بپذیرند و مطالب ما را به گوش خود بشنوند. اکنون از شما تمناً دارم که عین اظهارات این جانب را به اطلاع بالاترین مقامات وزارت خارجه برسانید و خاطر آنها [را] به وضع نامطلوب فعلی متوجه سازید تا موقع از دست نرفته اقدامی برای جبران گذشته به عمل آید.

سپس راجع به اظهاراتی که آقای وزیر خارجه قبل از مسافرت خود به کره ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی نموده و گفته بود به علت فعالیت کمونیستها در ایران و اینکه دولت در مقابل آنها بردباری می‌نماید دولت امریکا از مساعدت بیشتر نسبت به ایران خودداری خواهد نمود اشاره و اظهار کردم که برای من حقیقتاً حیرت‌آور است.

اولاً آقای وزیر خارجه می‌دانند یگانه جمعیتی که در ایران کمونیست تشخیص داده شده حزب سابق توده است که غیرقانونی اعلام گردیده و هیچ یک از دسته‌های افراطی چپ، خود را توده یا کمونیست نمی‌خوانند و دولت چگونه می‌تواند به صرف اینکه جمعیت‌هایی شعارهای



● در بیخ بیلاقی حکیم الملک - نیاوران - جلسه مؤسسين انجمن آثار ملی - یکشنبه دوم شهریور ۱۳۳۱

۲۸۶

افراطی به کار می‌برند آنها را کمونیست بشناسد و بر علیه آنها اقدام کند؟
ثانیاً در صورتی که آقای وزیر خارجه از فعالیت کمونیستها در ایران نگران می‌باشند منطق ایشان برای عدم کمک به ایرانیان چیست؟ زیرا معزی الیه به خوبی می‌دانند که دولت فعلی هیچ گونه تمایلی به کمونیزم ندارد و احزاب ملی ایران نیز که از دولت پشتیبانی می‌کنند با کمونیستها مخالف هستند و توده ملت ایران هم به علت سوابق تاریخی و مذهبی خود به استقلال و حاکمیت ملی ایران علاقه مند می‌باشد. بنابراین چه می‌شود که به جای کمک به چنین دولتی و تقویت بنیه اقتصادی ملت ایران برای مقاومت [در] مقابل کمونیزم، دولت امریکا به عنوان وجود فعالیت‌های کمونیستی، ایران را از مساعدتی که اکنون برای نجات خود محتاج به آن می‌باشد محروم می‌کند؟

ثالثاً به فرض اینکه دولت شما به صحیح یا غلط نظری اتخاذ نموده [از] اعلام آن به وسیله این قبیل طرق غیردوستانه چه نتیجه می‌گیرد؟ و آیا به جای مصاحبه مطبوعاتی بهتر نیست مطالب خود را توسط این جانب یا مستقیماً در تهران به دولت ایران اظهار بدارند. زیرا به نظر من نه فقط دولت امریکا از روش اخیر خود به شکلی که آقای وزیر خارجه اقدام نموده و یا جناب آقای رئیس جمهور در سخنرانی انجمن حکام ایالات فرموده نتیجه‌ای برای رفع مشکلات فعلی نخواهد گرفت، بلکه بر عکس به شدت اوضاع می‌افزاید و امید ایرانیان به دوستی امریکا

تدریجاً سلب می‌شود و با مسدود شدن این روزنه امید طبیعی است که افراد بیچاره و بی‌خبر به دامن کمونیزم می‌افتند.



آقای جرنگان قسمتی از اظهارات این جانب راجع به علائم برودت در مناسبات بین دو کشور را با اظهارات تأسف تصدیق کرد و گفت خودم هم در وزارت خارجه پیوسته به این فکر هستیم که چگونه می‌شود وضع فعلی [را] اصلاح نمود و با اینکه اوقات بسیار صرف نموده‌ایم [ما] هنوز راهی به نظر ما نرسیده است. زیرا اساس جریان اخیر از موضوع نفت سرچشمه می‌گیرد که دولت ایران به خوبی می‌داند ما دو سال برای پیدا کردن راه حل کوشش نمودیم و زحمات ما به جایی نرسید و دولت شما در آخرین مرحله از مذاکرات تصمیمی اتخاذ کرد که به نظر [ما] غیر منطقی [است]. زیرا با قبول پیشنهاد اخیر انگلستان که ما واسطه مذاکره آن بودیم دولت ایران اولاً تمام عملیات مربوط به اکتشاف و استخراج و تصفیه نفت را در دست خود می‌گرفت و آزاد بود که از هر کشوری که مصلحت بداند کارشناس برای حوائج خود استخدام نماید.

ثانیاً برای فروش محصولات نفتی ایران که مخالف قانون و احساسات ملی ایرانیان نبود بازار پیدا می‌شد و عایدات سرشاری نصیب ایران می‌گردید.

ثالثاً یک دادگاه بین‌المللی و بی‌طرف به اختلافات طرفین راجع به غرامت و مطالبات رسیدگی می‌کرد و ترتیب کار طوری پیش‌بینی شده بود که در صورت مدیون شدن ایران بار سنگینی بر خزانه مملکت تحمیل نمی‌شد [و] در ظرف مدت محدودی ایران می‌توانست دین خود را به وسیله تسلیم جنس (یعنی محصولات نفتی) بپردازد.

به علاوه، به مجرد اینکه قراری بین ایران و انگلستان گذاشته می‌شد و ما از مخمصه فعلی که وجه اختلاف بین ایران و انگلستان است خلاص می‌شدیم امریکا دیگر در مقابل دوست و متفق خود انگلستان محظوری نداشت و می‌توانست به وسائل و اشکال مختلف به ایران کمک نماید ولی چون دولت شما این پیشنهاد را قبول نکرد و راه دیگری هم که مورد پسند انگلستان باشد به نظر نرسید ما ناچار شدیم که خود را کنار بکشیم.

در این موقع اضافه نمود که من باید صریحاً و با کمال صداقت یک حقیقت دیگری را هم به شما بگویم [و آن] این است که اصرار دولت ایران به اینکه پرداخت غرامت محدود به تأسیسات موجود باشد مورد قبول خود ما هم نیست، زیرا امریکا در عربستان سعودی و نقاط دیگر دارای امتیازات نفت است و هر گاه این سابقه از طرف ایران گذاشته شود فردا صدای دیگران هم در خواهد آمد و هر کشوری راه را برای خود باز خواهد دید که عنوان ملی کردن را پیش گیرد و به ما پیشنهاد نماید تا خود را به قبول غرامت درباره تأسیسات موجود قانع سازیم و این امر اساس



● سازمان ملل متحد - دین آچسن وزیر خارجه آمریکا، دکتر مصدق، اللهیار صالح و انتظام.

نقشه سرمایه‌داری و مخصوصاً به کار بردن سرمایه‌های امریکایی در کشورهای بیگانه را متزلزل می‌سازد.

از این موضوع که بگذریم مشکل حزب کمونیست توده است که هر چند غیر قانونی اعلام شده ولی همچنان تحت عناوین مختلف به فعالیت خود ادامه می‌دهد و روز به روز بر قوت آن افزوده می‌شود و متأسفانه دولت ایران نه فقط در مقابل آن عکس‌العملی نشان نمی‌دهد بلکه ادارات انتظامی ایران اجازه می‌دهند که دسته‌های توده رسماً در خیابانها تظاهر بنمایند.

البته برای ما تردیدی نیست که دکتر مصدق میلی به کمونیزم ندارد و شخص من از جمله کسانی هستم که به قدرت رهبری ایشان معتقد می‌باشم و ایمان دارم که در میان رهبران خارجی که با فعالیت کمونیستها در ممالک خود مواجه هستند هیچ کس بهتر از آقای مصدق از عهده کمونیستها بر نمی‌آید، ولی این نکته هم برای ما امریکاییان، به خصوص کارشناسانی که مربوط به تاریخ توسعه کمونیزم در دنیا هستند مسلم می‌باشد که تا به حال هیچ دسته یا حزبی که با کمونیستها همکاری نموده جان به سلامت در نبرده و به علت تشکیلات منظم و تعلیمات مؤثر [ای] که به کمونیستها داده می‌شود همیشه موفق می‌شوند کسانی را که قصد همکاری و مماشات با آنها [را] دارند مضمحل و خود را بر آنها مسلط می‌سازند. لذا نگرانی ما از این است که آقای مصدق به این امر پی نبرده و با کمال علاقه مندی که حفظ استقلال کشور خود دارند ممکن است

تدریجاً زمام اختیار را از دست بدهند و کمونیستها بر ایران مسلط گردند و البته شما می دانید که مهمترین مشکل امریکا در دنیای امروز مسئله کمونیزم است و مردم و دولت امریکا از هیچ امری بیش از کمونیزم وحشت ندارند. لذا بسیار طبیعی است که چون یک مخبر روزنامه [از] وزیر خارجه در مصاحبه مطبوعاتی سؤالی در این باب می نماید وزیر خارجه نگرانی درونی خود را اظهار می دارد، و یا آنکه چون رئیس جمهور در مقابل حکام ایالات می خواهد خطر توسعه کمونیزم را توضیح [دهد] و اقدام امریکا برای جلوگیری از آن را خاطر نشان سازد در نطقی که قبلاً حاضر نکرده و راجع به اوضاع کشور [های] آسیایی بحث می کند طبعاً اشاره ای به فعالیت کمونیستها در ایران هم می نماید، به خصوص که در جراید هر روز و قبل از رفتن به کنفرانس حکام خبر مهمی درباره فعالیت کمونیستهای ایران به نظر ایشان در روزنامه [ها] رسیده بود.

خلاصه آنکه آقای وزیر خارجه و آقای رئیس جمهور به هیچ وجه قصد ندارند بر مشکلات ایران بیفزایند بلکه برعکس، پیوسته به فکر ایران بوده و در صدد چاره جویی هستند.

□

این جانب اظهار داشتم فعلاً قصد وارد شدن در گفت و گوی نفت و با مباحثه راجع به قدرت کمونیستها و اینکه در آینده چه خطری از جانب آنها برای ایران متصور است ندارم. همین اندازه می گویم که دولت امریکا با قبول مقام رهبری در میان کشورهای غربی و با تصدیق به خطر کمونیزم برای دنیا به نظر این جانب نباید موضوع ایران را به عنوان اینکه یک مشکل لاینحل می باشد به کلی کنار بگذارد. به علاوه به جای اینکه در نتیجه رد پیشنهاد اخیر انگلیس خشمگین یا عصبانی شود باید مانند یک پزشک عالی مقام با صبر و حوصله کامل به مشکلات موجود ایران هم توجه نماید و از روی همدردی و ملاحظت تأمل کند که چرا دولت پیشنهاد انگلیس را قبول ننمود و با وجود بحران اقتصادی فعلی از پذیرفتن شرایطی که به نظر شما منطقی و منصفانه بوده خودداری کرده، آن وقت خواهید فهمید که رد این پیشنهاد از طرف ایران روی هوی و هوس نبوده بلکه هیچ دولتی در مقابل افکار عمومی ملت ایران قادر به قبول آن نخواهد بود.

در مسئله نفوذ حزب توده هم به نظر من دولت شما باید ببیند آیا از ادامه روش فعلی، یعنی بی اعتنایی درباره ایران و ادای جملات غیردوستانه چه نتیجه ای خواهد گرفت، و هرگاه تصور می نماید با ادامه این روش بر مشکل مزبور فائق خواهند آمد البته مختارند هر سیاستی را می خواهند درباره ایران اتخاذ کنند، ولی چنانچه تصدیق دارید نتیجه ای ندارد بهتر است تا فرصت باقی است و دولت ایران این اندازه مایل به حفظ مناسبات خود با امریکا می باشد روش خود را تغییر بدهید. در خاتمه تذکر دادم:

بعضی از امریکائیان تصور کرده اند آقای دکتر مصدق عمداً تظاهراتی به همکاری با

کمونیسته‌ها و یا نزدیکی به جماهیر شوروی می‌نماید تا امریکائیان را بترساند و بدین وسیله مساعدت مالی برای خود از امریکا به دست آورد، و اضافه نمودم این امر کاملاً برخلاف واقع بوده و ما ایرانیان، به خصوص آنهایی که مثل من تاریخ ملت امریکا را خوانده و از جنگهای ملت قهرمان امریکا با اطلاع می‌باشند به خوبی می‌دانند که دوستی امریکا را نمی‌شود به وسیله تهدید جلب نمود. در عین حال این نکته را می‌خواهم بگویم که ایرانیها نیز مانند ملت امریکا دارای احساسات تند و تیز می‌باشند و همان طور که از کوچکترین بی‌اعتنایی با حرفهای زننده می‌رنجند و ممکن است دست به اقدامات خطرناک بزنند در مقابل جزئی‌ترین محبت تحت تأثیر قرار می‌گیرند. لذا با همه این اوضاع و احوال که امروز صحبت آن را نمودیم هرگاه اولیای دولت شما نمی‌توانند در این موقع کمکی به التیام زخمهای ایران بنمایند خوب است با بی‌اعتنایی و ادای جملات غیردوستانه نمک به این جراحات نپاشند و سعی نمایند در این موقع بحران مناسبات دوستانه بین ما محفوظ بماند.

مذاکرات فوق با تظاهر به خصوصیت از طرف آقای جرنگان و احوالپرسی از یک یک اعضای خانواده این جانب خاتمه یافت و در موقع خداحافظی گفت این مذاکره بسیار مفید بوده و این را هم می‌خواهم به شما اطمینان دهم که آقای ژنرال ببیدل اسمیت، معاون کل در نپذیرفتن شما تعمدی نداشته بلکه چون آقای وزیر خارجه دیشب از مسافرت مراجعت نموده و قرار بود امروز به وزارتخانه بیایند ایشان فرصت ملاقات شما را نداشت.

به این ترتیب با قائم مقام معاون وزارت خارجه خداحافظی نمودم و عصر دیروز هم که ایشان را در میهمانی سفارت هاشمی اردن دیدم بار دیگر از این ملاقات و صحبتهای امروز اظهار خوشوقتی کرد.

سفیر کبیر - اللهیار صالح

[محل امضا]

[۶۰ تا ۵۶ - ۷۲۰ - ۱۴۵ د]